

# طرح ایجاد شتاب در زمان

## سخنی با دانش پژوهان

سلام دوستان پژوهشگر و حقیقت‌جو، مسلماً همه شما داستان گالیله، دانشمند معروف عهد باستان را به خاطر دارید، وقتی که به حقایق اولیه از گردش افلاک پی‌برد و آن را با دیگران در میان گذاشت، این کشف بزرگ در آن زمان نه تنها پاداشی را برای گالیله در پی نداشت بلکه او را به پای چوبه‌دار کشید و وادار به توبه از گفتن آن حقایق شد، چرا که ملاک سنجش آگاهی مردم در زمانهای گذشته بر پایه اعتقادات احساسی قومی و قبیله‌ای استوار بود و چیزی برخلاف آن اعتقادات، کفر نامیده می‌شد، البته در بین سران اقوام مختلف، افراد قدرتمند و روشنفکری نیز وجود داشتند که از بیان حقایق جدید استقبال می‌کردند و فضای بحث آزاد را برای دانش‌پژوهان فراهم می‌ساختند.

در عصر و زمانه حاضر که به عصر ارتباطات معروف است، تبادل اطلاعات به نحو چشمگیری از حوزه انحصاری قومی و قبیله‌ای خارج شده و ارتباطات ماهواره‌ای، مردم کشورهای مختلف را به یکدیگر متصل نموده است و در این میان آنچه که مهم می‌نماید خود اطلاعات هستند، که به صورت شخصی مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌گیرند، و کسی با کشف حقایق علمی جدید و بیان آن در بین مردم مورد محاکمه و توبیخ قرار نمی‌گیرد، با این وجود هنوز هم در حوزه دانش مدرن دانشگاهی، افرادی با ژن باستان وجود دارند، که کشف حقایق جدید و ارزیابی آنها را انحصاری می‌دانند، اما در واقعیت بیشتر اختراعات شگفتی‌ساز بشر توسط افراد عادی جامعه صورت گرفته است، افرادی که حتی سواد دانشگاهی نیز نداشتند، ولی قوانین دانشگاهی را پایه ریزی کردند، بنابر این در اولین قدم باید بپذیریم که فهم حقیقت، قالب فکری مخصوص نمی‌خواهد و چیز انحصاری نیست که متعلق به فرد یا پدیده خاصی باشد، بلکه حقیقت مطلق جهان هستی در ارتباط با تک‌تک پدیده‌های جهان آفرینش است، گروهی آن را می‌بینند و گروهی دیگر آن را می‌فهمند، آن گروه که حقیقت را می‌بینند در صدد فهماندن آن هستند و گروهی که حقیقت را می‌فهمند در تلاش آشکارسازی آن هستند، خوشبختانه در عصر و زمانه‌ای زندگی می‌کنیم که حداقل در حوزه علم، ابزارهای سنجش فکری، جایگزین ابزارهای سرکوب فکری شده‌اند، و میدان ابراز عقاید علمی برای اشخاص مختلف نیز بسیار گسترده است، اکنون اگر کسی پیدا شود و بگوید که زمین مسطح است و مرکز عالم به حساب می‌آید و تمام ستاره‌ها از جمله خورشید و سیارات به دور زمین می‌چرخند، به نظر شما او را مجازات می‌کنند و یا به عنوان فرد بی‌سواد از کنارش می‌گذرند؟ مسلماً نوع برخورد در برابر عقاید دیگران را میزان آگاهی‌های فردی از حقایق جهان هستی تعیین می‌کند و به هر اندازه که علم و آگاهی بشر از جهان آفرینش و قوانین مربوط به آن بیشتر باشد به همان نسبت نوع برخوردهای اجتماعی انسانها با یکدیگر تغییر می‌کند، به عبارت ساده‌تر میزان آزادی و آزادگی افراد جامعه به میزان فهم و آگاهی آنها از حقایق جهان هستی بستگی دارد.

اگر به ویتترین مغازه‌های کتاب فروشی محله خودتان بروید، کتاب‌های زیادی را با عناوین مختلف مشاهده می‌کنید که توسط افراد معروف و یا گمنام تألیف و چاپ شده‌اند، بسیاری از این کتاب‌ها مخاطبین خاص و بسیاری دیگر مخاطبین عام دارند، اگر شما هم دیدگاه خاصی از جهان آفرینش دارید آن را چاپ و منتشر کنید و یا در فضای مجازی آن را به اشتراک بگذارید، چه بسا این حقایق تنها از طریق توانمندی‌های فکری شما قابل مشاهده بوده و شاید بیان آن بتواند نقاط کور موجود در علوم روز بشر را از میان ببرد.

کشف یک واقعیت بسیار کوچک از قوانین جهان آفرینش، همانند کلید کوچکی است که دروازه بزرگی را بروی بشریت باز می‌کند، مخصوصاً اگر آن کلید برای گشودن دری بسوی تکامل طبیعی انسان باشد.

فضا، زمان، مکان و ماده، چهار بعد متغیر جهان آفرینش هستند که با تغییرات خود فرآیند تکاملی پدیده‌ها از جمله انسانها را شکل می‌دهند، و اگر قوانین و دستورالعمل‌های کاربردی برای آنها کشف شوند ما را قادر می‌سازند تا در این چهار بعد تأثیر گذاشته و آنها را تغییر دهیم، با این کار بشر به آرزوی دیرینه خود، که سفر در زمان است دست می‌یابد، جالب است که بدانید، یکی از عوامل مهمی که باعث ایجاد تغییرات بنیادی در این چهار بعد می‌گردد، اطلاعاتی هستند که هر لحظه در مغز شما پردازش می‌شوند، به عبارتی، نوع اطلاعات و نحوه پردازش آنها توسط سلول‌های مغز انسان امواجی را تولید می‌کنند که در چهار بعد فضا، زمان، مکان و ماده تأثیر مستقیم دارند، این واقعیت نشان می‌دهد که ادامه تکامل در جهان هستی با نحوه تفکر انسان ارتباط مستقیم دارد، کتاب ایجاد شتاب در زمان حاوی اطلاعات مهندسی شده و کاربردی است که این امکان را به شما می‌دهد تا همزمان با پردازش اطلاعات در مغز خود، امواج الکترومغناطیس معادل با آن اطلاعات را تولید کنید و شاهد ظهور اثرات آن در مسیر حرکت خود به آینده باشید.

## \* شما همانطور زندگی می‌کنید که می‌اندیشید \*

### مقدمه:

ما انسانها آرزوهای زیادی را در فکر خود داریم و دوست داریم تا هر چه سریعتر به آنها برسیم، و بعضاً آرزوهای ذهنی و احساسی خود را به عنوان هدف زندگی خود انتخاب می‌کنیم و این اهداف بسیار شیرین و زیبا هستند، اما ممکن است راههایی که برای رسیدن به اهداف خود انتخاب می‌کنیم سخت و دشوار باشند، اما برای رسیدن به آن اهداف، سختیهایش را به جان می‌خریم و در مسیر رسیدن به آنها گام بر می‌داریم، از این موارد می‌توان به شغل‌هایی اشاره کرد که سخت و طاقت‌فرسا هستند، اما داشتن یک محیط گرم خانوادگی با امکانات رفاهی مناسب ما را بر آن می‌دارد تا سختی‌های شغلی خود را بپذیریم، به همین خاطر برابر توانمندی‌های جسمی و فکری خود مشغول کارهای اجتماعی درآمدزا می‌شویم.

ما هیچ کدام از این مسیرهای سخت و طاقت‌فرسا را دوست نداریم و تنها نتیجه کار است که ما را وادار به پیمودن این مسیرهای دشوار می‌کند، بسیار اتفاق می‌افتد که ما در تقویم سالیانه خود، روزی را برای تحقق یک اتفاق جادویی علامت گذاری می‌کنیم و دوست داریم روزهای بین آن، یکی پس از دیگری با سرعت سپری شوند و ما هر چه سریعتر به آن روز طلایی برسیم و حس خوشبختی را در آغوش بگیریم.

حرکت سریع در مسیر رسیدن به خواسته‌ها و توقف طولانی در زمان بودن با آرزوها، تفکر ارزشمندی است که از قدیم ذهن بسیاری از اندیشمندان را به خود مشغول کرده است، اکنون این تفکر به صورت یک ایده پژوهشی توسط دانشمندان دنبال می‌شود، ایده‌ای که در پی کشف چگونگی فشرده‌سازی زمان است.

تصور کنید که شما با دست یابی به دانش فنی فشرده‌سازی زمان، قادر خواهید بود تا فاصله رسیدن به اهدافتان را کاهش داده و مسیرهای طولانی رسیدن به آرزوهایتان را کوتاه کنید، به عبارتی در سریعترین

زمان به خواسته‌های خود می‌رسید، شاید همین انگیزه باعث شده تا بیشتر دانشمندان فیزیک به فکر ساختن ماشین زمان باشند.

با مطالعه تاریخچه تکاملی علم در می‌یابیم که هر نظریه جدیدی بر پایه پردازش و فشرده‌سازی اطلاعاتی که در طول تاریخ بدست آمده شکل می‌گیرد و همین فرایند، مسیر شکل‌گیری علوم آینده را نیز پایه‌گذاری می‌کند، بنابر این فشرده‌سازی اطلاعات و کدگذاری آنها یکی از وظایف مهم دانشمندان می‌باشد، به عنوان مثال همین اعداد شمارشی، مثل عدد ۱۰۰۰ که نماینده هزار عدد زیر مجموعه خودش است، حال اگر اعداد تکمیلی تعریف نمی‌شدند، در آن صورت ما مجبور بودیم تا برای نشان دادن عدد یک هزار، هزار تا عدد ۱ را روی کاغذ می‌نوشتیم، که در آن صورت نگاه خواننده به پایان عددهای یک نرسیده حوصله‌اش سر می‌رفت و یا موفق به درک پیام‌های بعدی نمی‌شد، بنابر این وقتی که ما عدد ۲ را در یک نوشته می‌بینیم، می‌فهمیم که ۲ تا عدد ۱ در یک جا فشرده شده است و یا عدد ۱۰۰۰ را مشاهده می‌کنیم در می‌یابیم که تعداد هزار عدد ۱ در یک جا فشرده شده‌اند، این فشرده‌سازی به ما کمک می‌کند تا در حل معادلات مختلف سری‌عتر عمل کرده و به نتیجه کاملتری برسیم.

فرایند فشرده‌سازی اطلاعات در مسیر ترکیب حقایق علوم مختلف با یکدیگر نیز وجود دارد، به عنوان مثال علم بیوشیمی، که ترکیبی از علم بیولوژی و علم شیمی است و یا بیوالکترونیک، که ترکیب بیولوژی و الکترونیک می‌باشد، البته این فرایند به چند رشته ختم نمی‌شود و ما در آینده‌ای نه چندان دور شاهد ترکیب سایر رشته‌های مختلف علوم با یکدیگر خواهیم بود، از آن جمله می‌توان به رشته‌های بیوفیزیک و بیومکانیک و... اشاره کرد، که همه این موارد می‌تواند زیر مجموعه رشته‌ای به نام بیوتکنولوژی قرار گیرند، به عنوان مثال، بیو تکنولوژی با گرایش فیزیک یا مکانیک یا... و حتی به فراتر از این هم باید فکر کرد که بیوتکنولوژی با گرایش جغرافیا و تاریخ را نیز داشته باشیم، چرا که امروزه دانشمندان تأثیر مستقیم تغییرات جغرافیایی و تاریخی در ساختار ژنتیکی و ظهور اثرات آن در رفتار نسل انسانها را آشکار کرده‌اند، در اصل با محوریت قرار دادن علم بیولوژی و اتصال علوم مختلفی از جمله فیزیک و شیمی به این رشته، می‌توان به کشف رابطه بین ماده و ژن نزدیکتر شد، این همان سوالی است که از دیرباز ذهن متفکران و دانشمندان را به خود مشغول کرده و قطعه پازل گمشده فلسفه تکامل است، اینکه پدیده‌ای به نام ژن چگونه بعد از تکامل ماده در جهان، بر روی زمین شکل گرفته و در ابعاد گیاهی و حیوانی و انسانی آن توسعه پیدا کرده است.

در جهان هستی مخصوصاً در طبیعت کره زمین، تمامی پدیده‌ها از یک اکوسیستم واحد تبعیت می‌کنند و روند رشد و تکامل هر پدیده نیز در گرو ارتباط مناسب و منطقی با سایر پدیده‌ها می‌باشد که در کل زنجیره تکاملی را شکل می‌دهند، و با گذشت زمان و افزایش آگاهی انسان از حقایق جهان هستی این یکپارچگی نیز آشکارتر می‌گردد.

اگر در رشته‌هایی چون علم ژنتیک مطالعه اندکی داشته باشید، می‌دانید که ژن‌ها ساختار اطلاعاتی سلول‌های بدن موجودات زنده ژنتیکی هستند و هر ژن بنوبه خود حاوی اطلاعات مخصوص به خود است و اینکه ژن‌ها از شرایط زیست محیطی که در آن قرار دارند بشدت متأثر می‌شوند و اثرات محیطی را در رفتارهای خود نشان می‌دهند، بنابر این تمرکز تعداد زیادی ژن در ساختار سلولی یک موجود زنده می‌تواند رفتارهای پیش بینی نشده زیادی را در برخورد با شرایط متفاوت از خود بروز دهد، که در رشته پزشکی به آن رفتارشناسی سلولی می‌گویند، در این رابطه دانشمندان رشته ژنتیک موفق به کشف ژنهایی در بدن انسان شده‌اند که قادرند تا تجربیات و مهارت‌های شغلی انسان را از نسلی به نسل دیگر انتقال دهند، این واقعیت نشان می‌دهد که در آینده، علم بیوتکنولوژی قادر خواهد بود تا بسیاری از مفاهیم و معادلات فرمول شده علمی و همینطور مهارت‌های شغلی را در قالب ژن‌های معادل تولید و به سلول‌های بدن افراد مختلف منتقل

نمایند و یا حتی ژن‌های سازگار با مناطق مختلف جغرافیایی را وارد بدن انسانها کرده و آنها را در برابر شرایط مختلف آب و هوایی سازگار کنند، با این اوصاف می‌توان گفت که، علم ژنتیک ترکیبی، کاربردهای فراثری را در مقایسه با علم عنصری و ترکیبات ساختاری آن در صورت‌های اولیه ماده دارد، در حال حاضر علم ژنتیک ترکیبی را مهندسی ژنتیک می‌نامند.

طبیعت جهان آفرینش نیز فرآیند ترکیب و فشرده‌سازی اطلاعات را به صورت پیوسته انجام می‌دهد که حاصل آن شکل‌گیری پدیده‌های جدید و کاملتر در طبیعت است و هم اکنون انسان به عنوان کاملترین دستاورد طبیعی، حاصل پردازش و فشرده‌سازی اطلاعات ژنتیکی در طبیعت می‌باشد.

فرآیند فشرده‌سازی دستاوردهای تکاملی، از زمان پیدایش جهان هستی بطور پیوسته در طبیعت وجود دارد و در هر مرحله موجب شکل‌گیری پدیده‌های کاملتر، یکی پس از دیگری می‌شود.

در اینجا باید بگوییم که وجود مکانیسم‌های فعال در طبیعت به ما کمک می‌کنند، تا با کشف و مطالعه آنها دانشنامه‌هایی را بنویسیم که در کل علم نامیده می‌شوند، به عبارتی علم از ترکیب و فشرده‌سازی نتایج علوم مختلف شکل می‌گیرد و همانطور که روند شکل‌گیری مکانیسم‌های تکاملی در طبیعت حاصل برقراری یک رابطه منطقی و منظم بین پدیده‌ها می‌باشد، بنابر این برای رسیدن به یک حقیقت نهایی در تکامل علم، می‌بایستی که یک رابطه منظم بین اطلاعات علوم مختلف تعریف و تدوین شوند، امروزه علوم بشری همانند عناصری جدا از هم مسیر رشد تک بعدی دارند و در بسیاری از موارد بر یکدیگر پیشی می‌گیرند و روند رو به رشد غیرطبیعی و ناهماهنگی را با یکدیگر دارند که عوارض جبران ناپذیری نیز برای سایر مکانیسم‌های طبیعی بوجود می‌آورند، و نتیجه آن در نهایت نابودی حیات بر روی کره زمین خواهد بود.

امروزه اکثریت مردم می‌دانند، که استفاده از محصولات فن آوری و فرآوری شده بشر، چه آسیبهایی را بر روی جسم و روان آنها وارد می‌سازد و همین نتیجه، عدم ارتباط سالم و سازنده بین علوم و فنون رشته‌های مختلف با علم بیولوژی را نشان می‌دهد، در اصل شناخت دقیق مکانیسم‌های تکاملی پدیده‌های طبیعت و نحوه ارتباط آنها با یکدیگر به ما این امکان را می‌دهد تا برای رسیدن به یک حقیقت واحد، فشرده‌سازی اطلاعات علوم مختلف با یکدیگر را با هماهنگی بیشتری انجام دهیم.

به عنوان مثال آنچه که هم اکنون ما در علم فیزیک آن را به عنوان شتاب هسته‌ای ذرات ماده می‌شناسیم، در مهندسی ژنتیک، آن را جهش ژن در سلول می‌نامند، و چیزی که ما باید بدنیاال کشف آن باشیم، پیدا کردن رابطه بین این دو فرآیند با یکدیگر است یعنی، شتاب ذرات ماده و جهش ژن است که در طبیعت به صورت هماهنگ عمل می‌کنند در صورتی که علوم بشری، آنها را بطور مجزا و جدا از هم بررسی می‌کند، به عبارتی ما باید ابتدا عامل ایجاد رابطه بین عنصر و ژن را پیدا کنیم و سپس بدنیاال نیروهایی باشیم که همزمان باعث ایجاد شتاب ذرات عنصری در مواد و جهش ژنتیکی در سلول می‌شوند، در اصل این نیروی شتاب‌دهنده مشترک بین ژن و عنصر است که مبحث تکامل در طبیعت را شکل می‌دهد، مسلماً ایجاد شتاب‌های تک بعدی در ذرات ماده بدون حضور ژن و ایجاد جهش‌های ژنتیکی بدون حضور ذرات ماده و یا بدون در نظر گرفتن روابط طبیعی این دو محصول طبیعت با یکدیگر، مسیر تکاملی را به درستی ترسیم نخواهد کرد.

روزی که انسان شروع به مطالعه پدیده‌های دنیای اطراف خود کرد، در اولین قدم با ماده و عناصر ترکیبی آن در طبیعت روبرو شد، اما در کره زمین، تنها عناصر، شکل دهنده طبیعت نبودند، بلکه پدیده‌های ژنتیکی چون گیاهان و حیوانات و انسانها نیز در این میان وجود داشتند، که از قبل یکی پس از دیگری وارد عرصه حیات کره زمین شده‌اند، و آنچه که در این میان اهمیت دارد، حلقه مفقوده بین عنصر و پیدایش ژن است، البته همه ما می‌دانیم که تولد اولین ژن در کره زمین متعلق به ژن گیاهی بوده که خود را از بطن عناصر ترکیبی ماده بیرون کشیده و در ادامه رشد خود طبیعت گیاهی کره زمین را شکل داده است و بدنیاال آن ژن

جانوری حضور خود را اعلام کرده و پس از تکامل نسل‌های پیوسته ژن جانوری، ژن انسانی پا به عرصه حیات کره زمین گذاشته است، و اگر تصور کنیم که انسان آخرین پدیده تکاملی جهان است، سخت در اشتباهیم و بطور قطع باید بپذیریم که جهان آفرینش، خلق پدیده‌هایی به مراتب کارآمدتر از ما انسانها را در برنامه خود دارد.

تاریخچه علمی بشر نیز در راستای تکامل خود مسیر شناخت را از انسان به ماده سپری نکرده، بلکه مسیر پیدایش و تکامل علوم بشری نیز، ابتدا از شناخت ماده و عناصر ترکیبی آن شروع شده و با شناخت طبیعت گیاهی ادامه یافته و سپس علوم بعدی در عرصه جانور شناسی و انسان شناسی نیز یکی پس از دیگری شکل گرفته و هم اکنون روند تکاملی خود را دنبال می‌کنند و در این رابطه دستاوردهای زیادی هم به همراه داشته است، از جمله آنها، خلق تکنولوژی‌های متعدد در عرصه‌های مختلف علوم می‌باشد.

امروزه تکنولوژی‌های بشر در دو حوزه مجزا رشد و گسترش می‌یابند، اولین تکنولوژی در حوزه ماده و ترکیبات عنصری پدیده‌ها می‌باشد که تکنولوژی صنعتی نام گرفته و دومین حوزه نیز در عرصه ترکیبات ژنتیکی است که بیوتکنولوژی نام دارد، و موجودات ژنتیکی از جمله گیاهان و حیوانات و انسانها را در بر می‌گیرد، البته دانش فنی این تکنولوژیها، ثابت و همیشگی نیستند و با رشد علم و افزایش آگاهی انسانها از حقایق جهان هستی تغییر کرده و کاملتر می‌شوند.

رشد و تکامل یک بعدی تکنولوژی صنعتی در حوزه ترکیبات عنصری و خلق پدیده‌های ناهماهنگ با ساختار بیولوژیکی کره زمین موجب از هم گسیختگی رابطه تکاملی بین پدیده‌ای در کره زمین شده است، که از دستاوردهای آن تخریب طبیعت، عدم تعادل و شکل‌گیری ساختارهای معیوب ژنتیکی در نسل بشر می‌باشد. مسلماً نقطه اتصال مناسب این دو تکنولوژی (تکنولوژی صنعتی و بیو تکنولوژی) زمانی کامل می‌شود که بشر، حلقه مفقوده در اتصال ژن به عناصر اولیه ماده را پیدا می‌کند و نحوه شکل‌گیری جهش‌های تکاملی در ساختارهای ژنتیکی را بطور کامل تشخیص می‌دهد، در آن صورت است که می‌تواند مسیر منطقی رشد تکنولوژی‌های ویرانگر خود را اصلاح کند و تا زمانی که راز حلقه تکامل متصل به ماده و ژن پیدا نشود، روزی فرا خواهد رسید که انسان با رشد تکنولوژی‌های تک بعدی خود در عرصه صنعت و تجارت، ناقوس مرگ نسل بشر و سایر موجودات ژنتیکی را در روی زمین به صدا در خواهد آورد، و برای جلوگیری از این عاقبت شوم می‌بایستی که حلقه‌های اتصال مشترکی را بین علوم مختلف و تکنولوژی‌های وابسته به آنها تعریف کرد، که مسلماً پیدا کردن این حلقه‌های وصل با نزدیکی مهندسی ماده و مهندسی ژنتیک امکان پذیر خواهد بود.

بطور قطع و یقین روابط فراگیری بین ماده و ژن وجود دارد، که موجب حرکت منظم پدیده‌ها و رشد و تکامل آنها در طبیعت و جهان هستی می‌گردد و کشف این روابط ما را در جهت ایجاد ارتباطات صحیح و منطقی با تمام پدیده‌ها هدایت می‌کند و مهمتر اینکه جسم ما انسانها محصول مشترکی از ترکیب ماده و ژن است و ما مجبور هستیم تا همه روزه عناصر مورد نیاز رشد طبیعی سلول‌های بدن خود را تأمین کنیم، بنابراین این مهندسی که قصد ساختن ماشین زمان را دارند، باید بدانند که ماشین زمان آنها علاوه بر ایجاد شتاب هسته‌ای مواد می‌بایستی که قدرت ایجاد جهش‌های ژنتیکی در سلول را هم داشته باشد، چرا که انسان برای ایجاد شتاب در زمان همزمان به دو فرایند، شتاب عنصر و جهش ژن که می‌بایست به صورت ترکیبی انجام شوند نیاز دارد، بنابراین این ساختن موشکی با سرعت مافوق سرعت نور و نشان دادن انسان در آن موشک، تنها مواد ساختاری جسم را شتاب داده و به انرژی تبدیل می‌کند و برای شکل‌گیری جهش‌های ترکیبی ماده و ژن

که مبنای تکامل طبیعی انسان است می‌بایستی که بدنبال واقعیت‌های کاملتری در صورت‌های اولیه ماده باشیم.

در حال حاضر حقایق کشف شده در عرصه‌های مختلف علمی این واقعیت را آشکار می‌کنند، که تمام موجودات و پدیده‌های جهان هستی، چه از نوع عنصری و چه از نوع ژنتیکی علاوه بر روابط زیست محیطی آشکار، یک رابطه پنهان نیز با یکدیگر دارند که روند تکاملی آنها را به یکدیگر گره می‌زند، و همین رابطه پنهان، مقدمات شکل‌گیری جهش‌های تکاملی و بوجود آمدن پدیده‌های جدید در طبیعت را فراهم می‌سازد، به عبارتی آنچه که ما در حرکت ظاهری پدیده‌ها مشاهده می‌کنیم حاصل تعامل پنهانی پدیده‌ها با یکدیگر است.

به زبان ساده‌تر اینکه یک نیروی نامرئی بین ذرات و در اطراف پدیده‌ها وجود دارد که اساس حرکت در جهان را شکل می‌دهند، بنابر این می‌توان گفت که تمام پدیده‌های جهان هستی از یک قطعه سنگ کوچک گرفته تا یک موجود زنده مثل انسان، علاوه بر انرژی آشکار، یک نوع انرژی پنهان نیز در اطراف خود دارند و ما فعلاً این انرژی را **انرژی نامرئی** می‌نامیم.

تا مدت‌ها تصور می‌شد که این انرژی نامرئی در اطراف پدیده‌ها با جرم مواد ساختاری آنها برابری می‌کند، با این تصور می‌بایستی که بین مقدار انرژی پنهان هر پدیده با مقدار جرم آشکار آن پدیده هماهنگی داشته باشد، اما زمانی که پای محاسبات انرژی آشکار پدیده‌ها بر اساس جرم آشکار و مقایسه آن با مقدار انرژی پنهان موجود در اطراف آنها به میان آمد، نتایج بدست آمده نشان می‌داد که در بسیاری از پدیده‌ها، تعادل بین انرژی آشکار و انرژی پنهان آنها وجود ندارد و انرژی نامرئی آنها از مقدار انرژی که در جرم ماده آشکار آنها وجود دارد به مراتب بیشتر است، بنابر این نتیجه گرفتند که انرژی نامرئی موجود در اطراف پدیده‌ها نیز تابعی از یک ماده دیگری است که تا به آن روز از نظرها پنهان بوده است و فعلاً نام آن را مواد نامرئی می‌نامند، بر این اساس می‌توان گفت که جرم مواد آشکار دارای انرژی آشکار و جرم مواد پنهان دارای انرژی پنهان می‌باشند.

برطبق آخرین محاسبات، مشخص گردیده که سهم انرژی آشکار موجود در جهان، از ۱۰۰ درصد انرژی موجود، حدود ۲۵ درصد و سهم انرژی پنهانی که در اطراف پدیده‌ها وجود دارد نیز ۷۵ درصد می‌باشد، که این تناسب ثابت نبوده و در هر لحظه به نفع انرژی پنهان تغییر می‌کند، به عبارتی با گذشت زمان از مقدار مواد و انرژی آشکار موجود در جهان کاسته می‌شود و به همان میزان بر مقدار مواد پنهان عالم افزوده می‌شود، بر پایه همین نتایج، دانشمندان اعلام کرده‌اند که در حال حاضر تعادل بین مواد و انرژی آشکار و مواد و انرژی پنهان در جهان از بین رفته و هم اکنون کفه ترازوی مواد و انرژی پنهان در عالم سنگین‌تر شده است و همین امر باعث ایجاد تغییرات در ابعاد فضا، زمان و مکان و ماده در جهان آشکار می‌شود، در اصل یک نوع فرآیند انتقال ماده و انرژی از صورت آشکار به صورت پنهان در حال انجام است، که نتیجه آن جذب و انتقال جرم آشکار پدیده‌ها از فضای آشکار به فضای پنهان است، بر طبق این پژوهش هر قدر که به گذشته بر می‌گردیم مقدار مواد و انرژی آشکار جهان بیشتر و مقدار مواد و انرژی پنهان کمتر می‌گردد و هر قدر که به سمت آینده پیش می‌رویم این روند درست بر عکس می‌شود، یعنی مواد و انرژی پنهان بیشتر و مواد و انرژی آشکار کمتر و کمتر می‌گردد، به همین خاطر بسیاری از دانشمندان فیزیک بر این عقیده‌اند که روزی تمامی جرم مواد و انرژی آشکار در جهان جذب فضای پنهان می‌گردد و جهان آشکار ماده همانند ستاره‌ای که در دام یک سیاهچاله می‌افتد و ناپدید می‌شود، کوچک و کوچکتر شده و در نهایت محو و ناپدید خواهد شد، در آن صورت جهان آشکار ماده در تاریکی مطلق فرو می‌رود و ماده و انرژی نامرئی کل هستی را در بر می‌گیرد، در یک دیدگاه کلی این همان فرآیند فشرده‌سازی اطلاعات ساختاری در جهان آفرینش است.

همانطور که ترکیب مواد آشکار در طبیعت موجب تغییر انرژی آشکار می‌گردد، به همان صورت ترکیب مواد پنهان نیز موجب تغییر انرژی پنهان می‌گردد.

ترکیب مواد پنهان مثل ترکیب مواد آشکار نیازی به آزمایشگاه و یا کارگاه عملی خاصی ندارد، بلکه مکانیسم تحریک و ترکیب مواد پنهان در فضای اطراف پدیده‌ها، از طریق برخورد امواج الکترومغناطیس با این مواد صورت می‌گیرد و همانطور که می‌دانید تمام پدیده‌های طبیعی از یک قطعه سنگ گرفته تا یک انسان، معادل فعالیت ترکیبات درون ساختاری خود، امواج الکترومغناطیس تولید و منتشر می‌کنند، امواج الکترومغناطیس منتشر شده از یک قطعه سنگ از طریق ارتعاش ذرات سازنده آن قطعه سنگ تولید می‌شوند و در انسانها نیز تولید و انتشار امواج الکترومغناطیس از طریق پردازش اطلاعات در مغز صورت می‌گیرد، به عبارتی مغز انسان مهمترین عضو در تولید امواج الکترومغناطیس می‌باشد، که همزمان با پردازش اطلاعات در سلول‌های خود امواج الکترومغناطیس معادل را تولید و در فضای اطراف منتشر می‌کند، این امواج قادرند تا بر روی مواد پنهان اثر گذاشته و موجب تحریک و ترکیب آنها در فضای پنهان ماده گردند، که متعاقب آن اثرات معادل نیز شکل می‌گیرند و جهان آشکار ماده را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند، امروزه دانشمندان این اثرات را اثرات متافیزیکی می‌نامند.

با استفاده از این مکانیسم هر فردی از اجتماع انسانها قادر است تا با پردازش اطلاعات در مغز خود امواج الکترومغناطیس معادلی را تولید و منتشر کند، که به موجب آن، مواد پنهان با دریافت این امواج، باردار شده و با یکدیگر ترکیب می‌شوند و اثرات همراستا با اطلاعات پردازش شده را ایجاد می‌کنند، که این اثرات پنهان در ساختارهای جسم فرد و رفتار پدیده‌های پیرامونی آشکار می‌گردد، این فرآیند طبیعی همان حلقه گمشده در روابط پنهان بین پدیده‌ها است که عامل اصلی شکل‌گیری فرآیندهای تکاملی در جهان می‌باشد، در اصل این همان عامل پنهانی است که رفتار یک عنصر را به رفتار یک ژن متصل می‌کند.

طرح ایجاد شتاب در زمان نیز بر پایه پردازش اطلاعات ترکیبی طراحی شده است و پردازش دقیق این اطلاعات عامل تولید امواج الکترومغناطیس معادل توسط سلول‌های مغز و ظهور اثرات متافیزیکی آنها توسط مواد پنهان باردار شده می‌گردد، به عبارتی ما قادریم تا با پردازش اطلاعات خاص امواج الکترو مغناطیسی را از مغز خود تولید و منتشر کنیم که مواد نامرئی را در فضای پیرامون ماده آشکار را باردار کرده و در مسیر حرکت ما به سوی آینده اثرات شگرفی را ایجاد کنند، این اثرات تغییرات زیادی را در مسیر حرکت ما بسوی آینده شکل می‌دهند که تغییرات متافیزیکی نامیده می‌شوند.

در حال حاضر کل انسانها با پردازش اطلاعات مربوط به خواسته‌های شخصی خود، اثراتی را تولید می‌کنند که باعث می‌شود تا عواملی که موجب تحقق آرزوها ایشان می‌شود را تحت تأثیر قرار داده و بسوی خود جذب کنند، در اصل حوادث و اتفاقات زندگی ما سناریوهای از پیش طراحی شده‌ای هستند که ما خواسته و یا ناخواسته از طریق تولید و ارسال امواج الکترومغناطیس معادل آنها را بوجود می‌آوریم، عده زیادی از اندیشمندان این مکانیسم را تکنولوژی فکر می‌نامند، و چون تکنولوژی فکر نیاز به یک برنامه مهندسی شده دارد، ما نیز اسم این رشته را **مهندسی فکر** و یا مهندسی مواد پنهان می‌نامیم.

بر پایه مهندسی مواد پنهان، به هر میزان که اطلاعات پردازش شده در مغز انسان کاملتر و دقیقتر باشد به همان نسبت سناریوی شکل‌گیری اهداف مربوط به آن اطلاعات نیز در عمل کاملتر و سریعتر خواهند بود، به عنوان مثال وقتی که شما یک خودرو را طراحی می‌کنید، هر اندازه که اطلاعات شما از نحوه کارکرد خودرو کاملتر باشد، طراحی شما نیز کاملتر خواهد بود، بنابر این در عمل هم نتیجه مطلوب‌تر و واقعی‌تری را می‌گیرید و هر اندازه که اطلاعات مهندسی ما از خودرو کمتر باشد به همان میزان، طراحی و ساخت خودرو در عمل دچار ضعف و شکست خواهد شد، به همین خاطر تولید امواج الکترومغناطیس مهندسی

شده توسط ما نتیجه مناسبتری را در عمل ایجاد می‌کند و به همان نسبت تولید امواج الکترومغناطیس ناهماهنگ و ناقص غیر مهندسی، نتیجه نامطلوبی را به همراه خواهند داشت.

البته باید در نظر داشته باشید که مهندسی اطلاعات می‌بایستی که در مسیر تکامل طبیعی صورت گیرد و اکنون ما می‌خواهیم با استفاده از مهندسی مواد پنهان، طرح ایجاد شتاب در زمان را با اطلاعات تدوین شده و بر پایه قوانین تکامل طبیعی عملی نماییم، لذا توجه خاص و تفکر عمیق در پردازش تک‌تک جملات مطرح شده در این طرح، موجب تولید و انتشار امواج الکترومغناطیس معادل توسط سلول‌های مغز و شکل‌گیری اثرات معادل در اطراف جسم شما می‌شود، که در نهایت این اثرات شکل گرفته در ساختارهای جسم و در رفتار پدیده‌های محیط زندگی شما آشکار می‌گردند، در این فرآیند هر نتیجه‌گیری از ترکیب اطلاعات در ذهن، یک مرحله از فشرده‌سازی زمان را به همراه خواهد داشت که موجب پیش رانش شما در مسیر زمان طبیعی می‌گردد، بنابر این سرعت پیش رانش شما در مسیر تکامل طبیعی بسته به سرعت جذب اطلاعات و کیفیت پردازش آنها دارد.

در اینجا یک سری سوالات تکمیلی خود نمایی می‌کنند، اینکه آیا پایانی برای این فشرده‌سازی وجود دارد و اگر جواب مثبت است، اینکه در پایان این فشرده‌سازی، انسان به چه مرحله‌ای از تکامل وجودی خود خواهد رسید و در کل، موفقیت در این فرآیند، چه سرنوشتی را برای انسان رقم می‌زند؟

بطور قطع جواب کاربردی این سوالات در معادلات کاربردی و روابط فرمولی این کتاب وجود دارد، اما بطور مختصر می‌توان گفت که نتیجه پردازش و فشرده‌سازی اطلاعات در راستای تکامل طبیعی موجب افزایش انرژی پنهان در اطراف جسم ما می‌شود و افزایش مافوق طبیعی انرژی پنهان در اطراف جسم ما نیز تعادل میان انرژی آشکار و انرژی پنهان قائم بر جسم انسانی ما را بر هم می‌ریزد که این فرآیند رو به رشد هر لحظه باعث تراکم و فشرده‌سازی ساختارهای جسم می‌گردد و هماهنگی ساختارهای جسم با این فشرده‌سازی منجر به تغییر ماهیت انسانی به ماهیت فرا انسانی می‌شود که در آن انسان از فضا، زمان و مکان و ماده طبیعی به فضا، زمان و مکان و ماده مافوق طبیعی منتقل می‌گردد و زندگی جدیدی را با قوانین جدید در دنیای ماورا آغاز می‌کند.

شکل‌گیری چنین فرآیندی در طول عمر طبیعی یک انسان، پدیده مرگ طبیعی جسم را از میان بر می‌دارد و ادامه زندگی طبیعی را به زندگی مافوق طبیعی متصل می‌کند، این فرآیند انتقال از ماهیت آشکار به ماهیت پنهان نام دارد که با اجرای طرح ایجاد شتاب در زمان عملی می‌شود.